



انتخابات ، تجارب و درسها
گزارش هیأت اجراییه در اجلاس نوبتی مجلس مؤسسان
نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان

شیر محمد بزرگر

رفقای عزیز!

اینک بیش از دو ماه پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، هنگام آن فرا رسیده است که مجلس مؤسسان حزب ما کار انجام شده را با خونسردی و واقعبینی بررسی کند، نتایج بدست آمده را در پیوند با اهدافی که در برابر خویش قرار داده بودیم، به ارزیابی و نقد بگیرد و نقش نهضت ما را در تحولات جاری و آتی کشور مشخص تر سازد.

اجازه بدهید که پیش از همه، از کار شباروزی هریک شما، از تلاش و فداکاری رفقای ما در کابل و محلات، اظهار سپاس کنم. از آن رفیقی که در طی سه روز دو بار از جوزجان به کابل برای دریافت اوراق تبلیغاتی ما رفت و آمد کرد و هفته گذشته که دیدمش، هنوز یک لنگ چپلی اش تسمه نداشت. از آن رفیقی که بیش از بیست بار بین کابل و لغمان سفر کرد، امضا آورد، امضای دوباره آورد، رأی آورد، گزارش آورد، دعوی ما با او در مورد مصارف راه تا آخر خاتمه نیافت و در فرجام، کرایه راه را با صرف نظر از ماکولات پوره میکرد. از آن رفیقی که برایش دستور صادر کردم که در طی چند روز محدود، بیش از صد نفر را برای رأی دهی بسیج کند، پول برای خریداری کارت تلفون نداشت، اما وظیفه اش را با احساس مسؤلیت انجام داد، فقط چند روز بعد اطلاع گرفتم که پا هایش پُر آبله است و پول تداوی را ندارد. از صد ها رفیقی که در شرایط وحشت و تهدید زور گویان محلی، از والی و ولسوال تا تنگ بدستان وابسته به قدرت مافیایی، خطر را به جان خریدند اما درفش نهضت ما را بر زمین نگذاشتند. برای همه این رفقا، برای همه شما که در افغانستان و چه در مهاجرت، در شرایط دشوار، صفحه جدیدی از تاریخ نهضت ما، صفحه رستاخیز مدرسه سیاسی ما را رقم زدید، رستاخیز مبارک باد!

شما با سربلندی در مصافی سهم گرفتید که نقطه چرخش واقعی در حیات حزب ما خواهد بود. در تاریخ نهضت ما یک پیش از انتخابات و یک بعد از انتخاباتی وجود خواهد داشت. با گام های شما و با کلام شما، حزب تان سکوتی مرگبار و تحمل ناپذیر را شکست و راه پایه گذاری بدیل دموکراتیک و ترقیخواهانه را یکبار دیگر در تاریخ وطن ما باز کرد. افتخار بر هر یک شما که درین کارزار پر شکوه سهم گرفتید.

میخواهم درینجا، به نماینده گی از شما، از رفیق حبیب منگل، که با از خود گذری، تدبیر و آگاهی عالی سیاسی، کارزار انتخاباتی حزب ما را رهبری کرد و از رفقا، داود راوش، کاندید معاون رئیس جمهور و رئیس ستاد انتخاباتی و نفس جهید، کاندید معاون رئیس جمهور، بخاطر سهمگیری بیدریغ و متعهدانه آنها در کارزار انتخاباتی تشکر کنم و بازگشت سرفرازانه آنان را به زنده گی ملی خیر مقدم بگویم.

کارشجاعانه و وقف هر یک شما اعضای هیأت اجراییه و مجلس مؤسسان نهضت و بخصوص اعضای ستاد انتخاباتی، مایه سربلندی هریک ماست. میخواهم دوستانی که در افغانستان و در مهاجرت، بدون پیوند سازمانی با ما، به ستاد انتخاباتی ما پیوستند، مطمئن باشند که ما ارزش همبسته گی برادرانه و خواهرانه آنها را میدانیم، حرمت آنرا نگه

خواهیم داشت و برای دوام این همبسته گی کار خواهیم کرد.

مسلم است که همه رفقا در فحوای این سخنان عاطفی، خوشبینی عمیق سیاسی و امید متواضعانه ما را برای حزبی ریشه دار تر و بزرگتر احساس میکنند. اما اجلاس امروز ما نه صرفا برای بیان هیجانات بیشانابه ما، بلکه برای این نیز دایر شده است که از آنچه بدست آورده ایم، پُلی برای رسیدن به آنچه بسازیم که می‌خواهیم بدست آوریم.

ما در فرجام کارزار انتخاباتی خود، 23572 رأی مردم افغانستان را بدست آوردیم و در مقام هشتم قرار گرفتیم. اینکه من صحبت‌هایم را ازین عدد شروع میکنم، به این دلیل نیست که معتقد باشم این مهمترین نتیجه انتخابات برای ماست. ما باید هرگونه ارزیابی را در روشنایی اهداف نشانی شده خود انجام بدهیم و نه بی پیوند با این اهداف. ازینرو باید معیارهای مختلف و متعددی را مد نظر قرار دهیم. این عدد 23572 یکی ازین معیارهاست و نه مهمترین آنها. اگر من ارزیابی را ازین عدد آغاز میکنم بخاطر آنست که همه بدانند که برخورد ما بر واقعیت‌ها، تلخ یا شیرین، اتکا دارد، ما از نتیجه بی که بدست آورده ایم آگاه هستیم، نه درمورد آن اضافه می‌گوییم و نه در اطراف آن غمگساری میکنیم. این تعداد رأی اگر به حزبی چند ده ساله نسبت داده شود که پس از یک عقب نشینی تاکتیکی، صحیح و سالم و متحد باقی مانده، توده های میلیونی انتظار ظهور دوباره اش را میکشند، انصافا عدد کمی است. اما اگر پای واقعیت های عینی در میان است و حزبی را مد نظر قرار دهیم که سر از خاکستر بلند میکند، تازه، به همت چند هزار عضو سر به کف خود، مفاصل خود را به کار میاندازد و مستقلانه، بی اتکا بر صاحبان زر و زور داخلی و خارجی، به راه میافتد، 23572، عددی قابل ملاحظه است.

از جانب دیگر، فکر نمیکنم که زیادی و کمی، زاویه روشنی برای بررسی نتایج ما باشد. آنانی که این زاویه دید را ترجیح میدهند، آیا میتوانند بگویند چه تعداد رأی اگر بدست می آمد، آنها میگفتند زیاد است یا کافی است؟ پنجاه هزار؟ صد هزار؟ یک میلیون؟... در کدام مقام اگر قرار میداشتیم، میگفتند به هدف رسیده ایم؟ آن عده از دوستان ما که برای رسیدن به نتایج عالی شتاب دارند و من احساس شریفانه آنها را درک میکنم، حتما مایل بوده اند که ما در نخستین برآمد جدی سیاسی خویش یکی از دو کاندید دور دوم باشیم. آیا در نهایت امر، مرز بین زیاد و کم در ذهن این دوستان ازین نقطه نمیگذرد؟ آیا معقول است که چنین باشد؟ آیا بجا است که دسترسی به اهداف دور و شاید بسیار دور را همین امروز ممکن فرض کنیم و از عدم تحقق این فرضیه ناامید شویم؟ آیا ما حق داریم نادیده بگیریم که با تصمیم شرکت در انتخابات، داخل پروسه تاریخی بی شده ایم که رابطه ما را با قدرت، با ائتلاف‌ها، با روان مسلط در جامعه، با دموکراسی بحیث نظام عدول ناپذیر اداره حیات سیاسی ما و شیوه های کار و برخورد ما را با مردم، عمیقا دگرگون میسازد، که هیچ نتیجه بی، هیچ عددی، در هیچیک از رویارویی های متعدد و لاینقطعی که در پیش رو داریم، نمیتواند به تنهایی ما را نا امید سازد و مجموع این پروسه را زیر سؤال ببرد؟

میخواهم تأکید کنم که رقم مجموعی آرای که بدست آوردیم، به تنهایی خود، هیچ چیز مهمی را افاده نمیکند. این رقم، حاصل جمع آرای است که ما در هزاران مرکز رأی دهی، در شرایط نابرابر، با امکانات نابرابر و در اوضاع سیاسی محلی نابرابر بدست آورده ایم. بی تردید، رأی هر مرکز انتخاباتی اهمیت دارد و باید با دقت بررسی شود. اگر می‌خواهیم ارزیابی بی واقعی از دستاورد ها و ضعف های خود در کارزار انتخابی انجام دهیم، بایست این ارزیابی را محل به محل و با ملاحظه عوامل مساعد و دشواری آفرین در هر محل بسر رسانیم. ما باید با دقت ببینیم که در کدام ولایات و محلات خوب کار کردیم و در کجا ابتکار ما ضعیف بود. هنگام ارزیابی محلات، اگر می‌خواهیم دقیق برخورد کنیم، بایست تعداد آرای را که از جانب جماعت متقلبین از صندوق های ما کشیده شده است، تهدید و فشار سیاسی و مجموع عناصر نا مساعد محیطی را مد نظر بگیریم. ازینطریق است که ما قادر خواهیم شد ارزیابی واقعا مفید از نتایج خود بدست آوریم، استراتژی و پلان های کاری خود را دقیق تر و عملی تر مطرح سازیم و حاصل تلاش خود را در انتخابات پارلمانی آینده برداریم. پیشنهاد میکنم که گروهی از فعالین حزب ما در اسرع وقت موظف به انجام این ارزیابی و ارائه مشوره های لازم شود.

البته من متأسف خواهم شد اگر با شنیدن حرف های امروز، کسانی فکر کنند که بزرگتر و هیأت اجراییه از نتایج بدست آمده خرسند است و هیچ کس و هیچ چیزی را مورد سؤال و باز بینی قرار نمیدهد. چنین نیست و چنین نخواهد بود.

من معتقد هستم که آرای انتخاباتی ما نه نفوذ واقعی حزب ما را در جامعه بازتاب میدهد، نه امکانات بالقوه ما را در بسیج نیرو و های اضافی اجتماعی بیان میکند و نه درجه تفاهم ما را با سایر نیرو های ترقیخواه و دموکرات بدست میدهد. بی تردید، جریان غیر عادلانه، غیر شفاف و ظالمانه کارزار انتخاباتی و شمارش آرا نقش درجه اول را در

ایجاد این ابهام که برنده ضرورتاً با نفوذ و محبوب نیست و بازنده ضرورتاً بی پایه و منزوی، ایفا کرده و نتایج انتخابات را کاملاً ناخوانا ساخته است. از آنجایی که، آنطوری که ما پیشبینی میکردیم، درین انتخابات وسیعاً تقلب صورت گرفته است، نتیجه آن نه کم است، نه زیاد است، نه امیدوار کننده است، نه مأیوس کننده، فقط و فقط نتیجه بیست که پس از دستکاری بیدریغ کاندیدان «مطرح» انتشار یافته است. اما زمانی که بررسی واقع بینانه نقاط ضعف و قوت ما مطرح است، جعل در انتخابات، تنها عاملی نیست که ما هنگام بررسی کارزار انتخاباتی خود مد نظر قرار میدهم :

گروههای حاکمه، تا دو ماه پیش از آغاز کارزار انتخاباتی، مشغول توطئه علیه این انتخابات، تا سطح مطالبه فسخ صاف و ساده پروسه دموکراتیک بودند و کوشش میکردند موافقت حامیان خارجی خود را در اطراف فرمول های سنتی بی که راحت تر، بی درد سر تر و ارزان تر دوام حاکمیت آنها را تأمین نماید، جلب کنند. آنها در طی 9 ماه، بازی روانی فلج کننده بی را برآه انداختند که در فرجام آن دیگر حتی خود نمیدانستند که آیا انتخاباتی در راه خواهد بود و اگر خواهد بود، پس از چند بار به تعویق افتادن و در کدام تاریخ؟ یکی از پیامد های این وضع آن بود که ما زمان کافی برای بسیج همه نیرو های خود و جلب همراهی متحدین خود نداشته باشیم. زمانی که ما تصمیم خود را اعلام کردیم، حاکمیت هنوز حرف آخر خود را نگفته بود. طبیعی است که در حزبی معتقد به دموکراسی نظیر حزب ما که بر اصل سهمگیری آگاهانه و داوطلبانه اعضایش با اتکا بر کار اقناعی و توضیحی تکیه دارد، این فرصت ناکافی، اثرات زیانبار تری بیار آورد و بخشی از نیرو های مؤثر ما را در حالت انفعال قرار دهد.

رسانه های دولتی و خصوصی نقش مؤثری را در طرح حاشیه بی مسائل اساسی زنده گی مردم و محدود ساختن بحث ها به چند مسئله رسمی ایفا کردند و ازین طریق، طرح های ترقیخواهانه و دورنمایی بی را که از جانب ما و سایر کاندیدان دموکرات مطرح شد، در بحری از مطالب تبلیغی و جانبدارانه و موضوعات فرعی غرق کردند. این رسانه ها ده روز پس از آغاز کارزار انتخاباتی، بصورت یکجانبه و خلاف قانون، چند کاندید وابسته به محافظ حاکمه را کاندید مطرح خواندند و بزرگترین امکانات را در اختیار آنان قرار دادند. چینل های تلویزیون و رادیو، هر ثانیه نشرات خود را به ده ها دالر قیمت گذاری کردند و تعجب آور نبود که در آخر کار، فقط همانهایی را بحیث خریدار صد ها ساعت اعلان سیاسی- تجارتي خود باز می یافتند که چند روز قبل «کاندید مطرح» خوانده بودند. همان هایی را که بعداً «کشف» کردند که وسیعاً به تقلب دست زده اند. این کاندیدان به بسیج رأی دهنده گان بر مبنای قومی و زبانی پرداختند، مسابقه قومی را جانشین مسابقه سیاست ها و برنامه ها ساختند و از طریق راندن سیاست به رده دوم، ابهامی را که در رفتار رأی دهنده گان قبلاً به آن اشاره کردم تقویت کردند.

ما با اتکا بر امکانات محدود خودی وارد کارزار انتخاباتی شدیم و ازینرو، به صرفه جویی در تبلیغات تصویری، در برآمد های رسانه بی، در ایجاد و بسیج گروه های تماس شفاهی، در سفر به ولایات و محلات، ناگزیر گردیدیم. برای سازمانی که میخواهد، در افغانستان امروزی، مستقل باشد و هرگونه وابسته گی را به منابع مالی بیگانه رد میکند، این دشواری امری طبیعی است و ما در آینده نیز از آن گزیری نخواهیم داشت. در جریان کارزار انتخاباتی، سایر کاندیدان ترقیخواه نیز با چنین دشواری بی مواجه بودند. این محدودیت ها موجب شد که ما نتوانیم به همه ولایات و محلات رسیده گی کنیم و صدای صد ها رفیق ما در ولایات پاسخ سازنده و مؤثر نیابد.

این بود، رفقا، آنچه امروز میتوانستیم در مورد ضعف های کاری ما خدمت شما عرض کنیم. ما زمان لازم را به این امر اختصاص خواهیم داد که نا رسایی های کار خود را در مدیریت مبارزات انتخاباتی خویش نیز با دقت بررسی کنیم و به جمعبندی تجارب بدست آمده بپردازیم. پیشنهاد میکنم که ستاد انتخاباتی موجود، پس از تکمیل از طریق جذب اعضای جدید، به ارگان دائمی سازماندهی انتخابات نهضت ما مبدل شود. این ارگان دایماً فعال و وظیفه خواهد داشت که ضعف ها و قوت های ما را در انتخابات گذشته با دقت بررسی کند و برای انتخابات آینده، بشمول انتخابات پارلمانی پیش رو، آماده گی بگیرد و کار ما را درین عرصه ها رهبری کند.

حالا میپردازیم به آنچه درین کارزار انتخاباتی بدست آوردیم:

شما اطلاع دارید که بیش از یک و نیم سال پیش، رهبری حزب ما هیأتی چهار نفری را به رهبری رفیق داود راوش مؤظف ساخت که جای حزب ما را در اوضاع سیاسی کشور، شرکت یا عدم شرکت ما را در انتخابات سازمان یافته از جانب حاکمیت کنونی و حامیان بین المللی آن بصورت کل و انتخابات ریاست جمهوری پیش رو به طور اخص، مورد مطالعه قرار دهد و پروژه بی را درین رابطه به مجلس مؤسسان نهضت ارائه کند. این هیأت که تعداد اعضای آن بعداً به هفت نفر رسید، اوضاع جاری را بصورت همه جانبه تحلیل کرد و خطوط اساسی برخورد جدیدی با این

اوضاع را برای نهضت ما ترسیم نمود.

گزارشی که این گروه کاری به هیأت اجراییه ارائه کرد، در چند مورد صراحت داشت:

اول اینکه گروه‌های حاکم سیاسی که پروسه دموکراسی از جانب نیروها، حکومت و محافل خارجی بر آنها تحمیل شده است، همه امکانات را به کار میگیرند که به این پروسه خاتمه ببخشند و سیستمی قرون وسطایی را با تکیه بر متنفذین محلی، مافیای اقتصادی و سیاسی، جهادپست هاو محافظه کاران جانشین آن سازند. طرح های «حکومت مشارکتی»، «تقسیم صلاحیت های رئیس جمهور»، «لویه جرگه جدید انتقالی»، در اصل چیزی جز به پیش راندن حکومت مریض و وابسته مصلحتی کنونی و توسعه شبکه های این قدرت نامشروع نیست. دموکراسی در لحظه حاضر، و عده بی شکند، بی ضمانت اجرایی و بی پشتوانه توده بی بیش نیست. ما باید وظیفه تاریخی خود را در نهادینه ساختن آن و در سازماندهی مردم برای دفاع از آن بسر رسانیم. نهضت فراگیر نمیتواند درین لحظه استثنایی و چرخشی، نقش پیوند دهنده نیرو های معتقد به ترقی، دموکراسی و عدالت اجتماعی را به آینده موعول کند، با عقب کشیدن از جبهه علنی مبارزه دموکراتیک، فاصله خود را با مردم، تشویش ها و مطالبات آنان عمیق تر سازد و از قطار نیرو های سیاسی درگیر درین مبارزه خارج شود.

دوم اینکه نهضت ما پس از چهار سال تلاش ورشد سازمانی و توسعه پایگاه های اجتماعی خود، به مرحله بی رسیده است که بتواند سهم خود را در پروسه دموکراتیک ایفا کند و پیوند های مردمی خود را با استفاده از وسایل و امکانات علنی تحکیم ببخشد. هیأت مؤلف هشدار داد که جریان انتخابات غیر عادلانه خواهد بود. که حلقهات ضد دموکراسی و ارتجاعی، با اتکا بر حمایت خارجی، انطوری که در گذشته به اثبات رسانیده اند، هرگونه تقلب و ریا را به کار خواهند بست و این فرصت ارزشمند تصمیم گیری را از هموطنان ما خواهند دزدید. که ما باید صرف نظر از تعداد رأیی که متقلبین حاکم بر سرنوشت مردم، عنایت خواهند کرد و از صندوق ها بیرون خواهند آورد، داخل این کارزار شویم. که ما باید به کارزار انتخاباتی اهمیت بالا تر از نتیجه انتخابات قایل باشیم. پیش از آغاز کارزار انتخاباتی، رفقا داود راوش در مصاحبه با تارنمای مشعل و نفس جهید در مصاحبه با تارنمای پیام نهضت، این زنگ خطر را به صدا در آوردند و گفتند: بلی، این انتخابات منصفانه نخواهد بود. حکومت و حلقهات نزدیک به این حاکمیت که چند کاندید درین کارزار دارند، هیچ حد و مرز اخلاقی برای جعل در نتایج رأی مردم نمیشناسند. رویداد های چند ماه اخیر نیز حاکی از آنست که آقای کرزی از هیچ وسیله بی برای به تاراج بردن آرای مردم دریغ نخواهد کرد. رسانه ها در اختیار بخش های بر سر قدرت و در انتظار بازگشت به قدرت حاکمیت ارتجاعی قرار خواهند داشت. اما آنان تأکید کردند که همه این دلایل کاملاً بجا و انکار ناپذیر، برای انصراف ما از شرکت در انتخابات کافی نیستند. دلایل برای سهمگیری ما درین انتخابات بیشمار اند و طوریکه امروز نیز ملاحظه میکنید، این دلایل در مقیاس بلند تری قرار دارند و اصول مرامی حزب نیز ما را به وارد شدن در مبارزات قانونی و علنی ملزم میسازد.

اینجانب در اجلاس گزارش به هیأت اجراییه حزب ما اهداف زیرین را برای کارزار انتخاباتی برشمردم و ما آنرا به اتفاق آراء تصویب کردیم :

یک : نهضت فراگیر میخواید در جریان این انتخابات، صدای خود را مسموع و سیاست ها و مواضع فکری خود را صریح و مفهوم بسازد.

دو : نهضت فراگیر میخواید که مشارکت مردم را در بحث پیرامون مشکلات شان و تشخیص بهتر منافع شان بلند ببرد و به آنان کمک کند که چرا و چگونه تصمیم قانونی خود را بحیث شهروند، بر مبنای این منافع بگیرند.

سه : نهضت فراگیر میخواید در جریان این کارزار انتخاباتی بحیث یکی از اجزای اساسی جنبش ترقیخواهانه، دموکرات و دادخواه تبارز کند، برای وصل پارچه های پراکنده این جنبش، حرکت شفاف، علنی و واقعا سازنده خود را آغاز کند و به خلاء، به سکوت غم انگیز کنونی در میدان مبارزات تجدد خواهانه خلق ما پایان ببخشد .

چهار : نهضت فراگیر میخواید که زحمتکشان در وجود این حزب، سازمانی را ببینند و بسازند که از نفوذ لازم برای بسیج آنها و همراهی مبارزات حق طلبانه شان بر خوردار باشد. ازینرو نهضت خواهد کوشید با استفاده از کارزار انتخاباتی، ریشه های خود را در بین مردم مستحکم تر سازد، سازمان های خود را در کابل و ولایات توسعه دهد و از

طریق دیالوگی نو، به جلب وسیع زنان و جوانان و لایه های مختلف زحمتکشان به صفوف خود بپردازد.

اکنون، با وجود آنکه کمی مدت سپری شده برای یک بررسی همه جانبه کفاف نمیدهد، میتوان با صراحت گفت که دستاورد های ما در رابطه با مجموع این اهداف، بزرگ و بالا تر از انتظار است که ما داشتیم :

فراخوان کاندید ما مرحله بیسابقه یی را در روابط ما با مردم، با روشنفکران و نیرو های فعال سیاسی گشود. بیش از 550 هموطن ما در رابطه با آنچه باید کاندید ما مطرح سازد و آنچه از آن به دفاع برخیزد، اظهار نظر کردند. آنها انعکاس مستقیم اندیشه ها و مشوره های خود را در پلانتفورم انتخاباتی ما دیدند و از آن دفاع کردند. ما نیز فراگرفتیم که چگونه از مردم بشنویم، با عناصر دموکرات و ترقیخواه به گفت و گوی سازنده بگذریم و سیاست خود را با توجه به قلب واقعیت های جامعه و مطالبات مردم تدوین کنیم. وقتی به آن ملاقات کاندید ما با روشنفکران و استادان فکر میکنم، به غنای تبادل نظر های ما، به اعتمادی که در هر کلام شان مشهود بود، میخواهم بگویم : رفقا، این راه را باید ادامه بدهیم. به هر قیمتی باشد، باید ادامه بدهیم. ما فرصتی بدست آوردیم که اندیشه ها و مواضع خود را یکبار بیان کنیم و بار دوم جلا ببخشیم، مؤثر تر، عملی تر و جاذب تر بیان کنیم. رفیق حبیب منگل و معاونینش در ملاقات با کارگران، دهقانان، نماینده گان سایر لایه های اجتماعی، آنها را در اظهار نظر پیرامون فراخوان سهیم ساختند. از علما و روحانیون ترقیخواه تا استادان و معلمان، از روشنفکران و فرهنگیان تا کادر ها و متخصصین ملکی و نظامی، از فعالان جامعه مدنی تا نماینده گان اقوام و قبایل، زن و مرد درین نظر خواهی سهیم شدند. میتوانیم با افتخار بگوییم که در جریان انتخابات، ملاقات با کاندیدان ما یگانه تریبیون افاده اراده مردمی بود. پلانتفورم انتخاباتی ما که در نتیجه این گفت و گوی توده یی تهیه شد و در همایشی تاریخی و دارای اهمیت بزرگ ارائه گردید، عمده ترین نظریات مردم را در نزدیکی با برنامه نهضت ما انعکاس داد و همه ما بار ها دیدیم که چگونه، نکاتی که درین پلانتفورم گره گشا بودند، از جانب سایر کاندیدان مورد استفاده قرار گرفتند و بر ماهیت بحث های انتخاباتی تأثیر گذاشتند. ما نیز به نوبه خود، با شنیدن از سایر کاندیدان ترقیخواه، متوجه کمبود ها در برنامه انتخاباتی خویش شدیم. اگر این مقابله دموکراتیک و علنی نمیبود، حتم دارم که ما برای سالها به تکرار حرف هایی محدود می ماندیم که فرستنده دارند اما در انسوی دیگر، آخذه ندارند.

آنچه ما بحیث اندیشه و سیاست در جریان این کارزار مطرح ساختیم و از همه نهضتی ها میخواهم این اندیشه ها و سیاستها را عمق و غنا ببخشند، قابل توجه است. ما به شهروندان افغان گفتیم که سهمگیری ما در انتخابات، آغاز یک پروسه است و نمیتواند فرجام آن باشد : « آغاز کوشش بزرگ، دشوار و غرور آفرین مشترک ما برای ایجاد حکومت ملی و خدمتگزار مردم ، حکومت رفاه و عدالت اجتماعی و حکومتی که به نا امنی ، فساد ، فقر ، زورگویی ، ستم ، و جفای ملی و اجتماعی در کشور خاتمه دهد». کاندید ما برای خود نقش « ترجمانی خواسته ها و مطالبات مردم و دفاع از منافع و حقوق آنها» را تعیین کرد. ما مطرح ساختیم که چگونه و با استفاده از کدام مکانیزم ها، براه اندازی جنگ اقوام، رویارویی زبان ها و درگیری مذاهب، یک ستراتیژی سنجیده شده و حتی اجتناب ناپذیر برای محافل حاکمه ارتجاعی و حلقات جهادست و محافظه کار پشتیبان آنست. آنها، در فقدان هرگونه پروژه اجتماعی، صرف از طریق دامن زدن به احساسات و تنش های قومی، مذهبی و زبانی به حاکمیت خویش ادامه میدهند. آنها با تمام امکانات، از شکل گیری آگاهی شهروندی و رویارویی برنامه های سیاسی جلوگیری میکنند. ما چهل سال پیش، شاهد آن بودیم که چگونه، دموکراسی یی که از تشکل مردم بر مبنای شهروندی هراس داشته باشد و جلو ایجاد جریان ها و احزاب سیاسی حامل پروژه های سیاسی رقیب و فراقومی را بگیرد، نه تنها حمایت مردمی را کسب نمیکند، بلکه با تنش های اجتماعی اجتناب ناپذیر مواجه میشود. رئیس جمهور فعلی، پس از تماشای نمایش ثبت بیش از 120 حزب سیاسی، درگرمای انتخابات، میگوید که حزبی ندارد، به ضرورت موجودیت احزاب معتقد نیست و احزاب را عامل صدمه به وحدت ملی میداند. رقیب مستقیم وی، با حمل ایدیولوژی جهادی و علیرغم حمایت چندین سازمان جهادی، خود را کاندید مستقل و فارغ از بند احزاب میداند. و برای تکمیل این دیکور هماهنگ شده، سنای نیمه انتصابی و نیمه تقلبی، خود دموکراسی را مغایر با ارزش های ملی و اسلامی اعلام میفرماید. این جماعت، با حرکت ازین مواضع، راهی جز اتکا بر احساسات قومی و محلی ندارند و در نتیجه، وحدت ملی و دموکراسی را با آزمایش های جدی مواجه میسازند. کاندیدان حزب ما درین رابطه در خط وطن دوستی قرار گرفتند و تا آخر باقی ماندند. آنها اصل برابری حقوق اتباع افغانستان را در ابعاد مختلف مطرح ساختند. آنها بر نقش احزاب و جریانات فکری در تشکل روحیه شهروندی، نهادینه شدن دموکراسی و شفافیت در جدل دموکراتیک تکیه کردند و نخستین گام ها را در جهت مبدل ساختن کارزار انتخاباتی به رویارویی طرح های فراقومی و

فراعقیدتی برداشتند. آنها گفتند که همه مناطق افغانستان، همه ولایات، هر افغان، به مکتب، به انرژی، به مؤسسات صحی، به راه های مواصلاتی، به زنده گی فعال فرهنگی نیاز دارند. تحکیم وحدت ملی، نه از راه سرکوب خواست بر حق مردم برای پیشرفت محلات شان، نه از راه خفه کردن خواست برحق آنان برای مشارکت در تصمیم مربوط به محلات شان، بلکه از راه تشویق این اراده مشارکت و انتقال صلاحیت تصمیم گیری به محلات، میسر است. آنها بر دیالوگ وسیع ملی با شرکت نماینده گان مردم، در مورد دموکراسی تأکید کردند. کاندیدان ما پیشنهاد کردند که مردم در سطح ولایات قدرت دولتی را انتخاب کنند و در اطراف پروژه های کوچک و متوسط اقتصادی، در اطراف تعاونی های تولید و فروش محصولات، در سطح قریه، به تصمیم گیرنده واقعی مبدل شوند. ازینجاست که دموکراسی ریشه خواهد گرفت و به شیوه زنده گی مردم ما مبدل خواهد شد. ما در سطح ملی، ایجاد اداره مستقل تفاهم ملی را پیشنهاد کردیم، تا از ابتکارات نهاد های جامعه مدنی در راه ایجاد پُل های تفاهم و برادری بین هموطنان ما حمایت بعمل آید.

کاندیدان ما با روشن بینی و احساس مسؤولیت در برابر منافع وطن، ابتکار طرح مسئله حضور نیرو های خارجی را بدست گرفتند، راه های برونرفت از بن بست کنونی را نمودند و به این موضوع در قلب کارزار انتخاباتی خود جا دادند. آنها با صراحت گفتند که در نتیجه اشغال کشور ما از جانب نیرو های نظامی خارجی و اقتدار یک حکومت فاسد و وابسته، افغانها حاکمیت ملی خود را در دست ندارند. ما به مشاهده منفعلانه این حقیقت اکتفا نکردیم و گفتیم مردم افغانستان، نیرو های سیاسی، جامعه مدنی و دولت افغانستان باید راه های بازگشت نیرو های خارجی را در مطابقت با منافع ملی خود جست و جو کنند. برای این کار دولتی لازم است که توانایی و اراده حرکت درین سمت رهاییبخش را داشته باشد. سیاست اقتصادی و اجتماعی یی لازم است که نیرو های افراطی را از هرگونه پایگاه مردمی محروم سازد. این درک جمعی لازم است که دموکراسی تنها یک نمایش نیست و فقط هنگامی نهادینه میشود و ثبات را تأمین میکند که مردم در سایه آن خود را مصنون، آزاد و مرفه احساس کنند. ارتقای ظرفیت های دفاعی و امنیتی وطن ما در همه ابعاد لازم است. سیاست فعال اعتماد سازی با همسایه گان و کشور های منطقه و پیوند های عمیق اقتصادی و فرهنگی با این کشور ها لازم است تا افغانستان مایه تشویش برای همسایه گان خود نباشد و به امنیت از طریق قطع مداخلات خارجی و تضمین مؤثر بین المللی این امنیت دست یابد. کاندیدان ما، بحیث اقدام آغازین و بحیث آزمونی برای حسن نیت جانب امریکا - ناتو، ایجاد چارچوب حقوقی عادلانه و مبتنی بر احترام به حاکمیت کامل افغانها را بر پروسه های ملی شان مطالبه کردند. این چارچوب حقوقی ضرورتاً باید شامل رهبری و احاطه کامل نیرو های افغان بر استراتژی نظامی شان و عملیات تهاجمی بزرگ باشد. معاهدات زیربیط باید وسعت و حدود وظایف، مسؤولیت ها و صلاحیت های نیرو های نظامی بیگانه را در خاک ما معین سازند و معیار های روشن برای ارزیابی نتایج را وضع کنند. این معاهدات بایست ماهیت روابط عملیاتی و کاربردی بین این قوت ها و قوت های ملی افغان را بیان کنند و شرایط عملی پروسه هایی را که به بازگشت نیرو های نظامی خارجی میانجامند، مشخص سازند. پیش از نشر پلتفورم انتخاباتی ما، بحث در مورد حضور نظامی بیگانه در خاک ما به یک سؤال، فقط یک سؤال بی عاقبت خلاصه می شد: بمانند یا بروند؟ پلتفورم انتخاباتی ما این مسئله را بحیث پروسه یی مطرح ساخت که باید سمت آن عوض شود و اقدامات عملی یی را مورد توجه قرار داد که از طریق بسیج امکانات بالقوه و بالفعل مردم ما و مبارزه و حضور سیاسی خلق ما، به بازگشت این نیرو ها می انجامد.

برخورد ما با سیستم سیاسی، تجدد خواهانه و گشایشی بسوی مبدل شدن به سازمانی توده یی و پیشاهنگ بود. کاندیدان ما تأکید کردند که نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان، جانبدار دموکراسی در تمامی مظاهر آن است. ما امکان بالقوه مردم را برای تأثیر گذاری بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی وطن خویش، هر چند بالقوه است و کامل نیست، گرامی میداریم، اما مشارکت مردم در حیات سیاسی لازم است، بیداری و مبارزه مستدام آنان برای حفظ دستاورد ها لازم است و تحمیل گام های ضروری پیشرو بر نیرو های محافظه کار لازم است که این جریان را بازگشت ناپذیر سازد. ازینرو، ما در کنار سایر نیرو های ترقیخواه، برای نهادینه کردن دموکراسی مبارزه میکنیم. ما اکنون در چارچوب همین قانون اساسی، برای اصلاح همین قانون اساسی مبارزه میکنیم و هیچ تغییری را از راه جنگ، خشونت و اقدامات غیر قانونی، مجاز و مشروع نمیدانیم.

نهضت فراگیر در برابر مردم افغانستان تعهد میکند که از کاندیدش در انتخابات ریاست جمهوری گرفته، تا نماینده گانش در پارلمان و ارگانهای محلی قدرت، تا صفوف و فعالینش در جریان مبارزات اجتماعی و سیاسی در اتحادیه های کارگران، پیشه وران، دهقانان، روشنفکران و سایر حلقات جامعه مدنی، هیچ تصمیمی نخواهند گرفت و از هیچ سیاستی دفاع نخواهند کرد که دموکراسی را چه در شکل و چه در محتوای آن یک قدم به عقب ببرد. نهضت فراگیر، نیروی پیشنهاد و مبارزه برای توسعه دموکراسی و ارتقای مشارکت مردم در حیات سیاسی است. ما با

سیستمی که تمام قدرت را در دستان یک رهبر، بخصوص که این رهبر از طریق تقلب رهبر شده باشد، متمرکز می‌سازد و در سایه آن، از محلات تا وزارت های مرکزی، از سیاست خارجی تا سیاست های دفاعی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی، از یک دست اداره می‌شوند، مخالف هستیم. این سیستم متمرکز، با تنوع اجتماعی، فرهنگی و قومی کشور ما مطابقت ندارد. این سیستم، مردم را از مشارکت در حیات سیاسی باز می‌دارد. این سیستم، نماینده گان مردم را از نظارت بر امور سیاسی کشور محروم می‌سازد و رویارویی بحران را بین رئیس جمهور و پارلمان را به عنصر دائمی حیات سیاسی ما مبدل می‌سازد. ازینرو، ما از تغییر در سیستم سیاسی از طریق انتخاب صدراعظم بوسیله پارلمان و کنار رفتن صدراعظم در صورت از دست دادن اکثریت در پارلمان، پشتیبانی کردیم. ما چنین کردیم زیرا می‌خواهیم تمام امکانات در جهت نهادینه شدن دموکراسی بسیج شوند. مسلم است که دموکراسی زمانی نهادینه می‌شود که مردم خود را از برکت آن در امنیت و محافظت بیابند و در سایه دموکراسی، خود را آزاد احساس کنند و به رفاه اجتماعی دست یابند. ما حزب تحولات اجتماعی هستیم و آنچه ما را از دیگران متمایز می‌سازد، صداقت و پیگیری ما در مبارزه برای عدالت اجتماعی است.

ما در رابطه با سازماندهی حیات اقتصادی، نه بسان حاکمیت موجود و مقامات تمویل کننده خارجی، از موضع ایدئولوژیک، بلکه از دیدگاهی عملی و واقعینانه حرکت کردیم و حکومتی را مطرح ساختیم که نقش طبیعی خود را در اداره اقتصادی، انباشت مهارت های کاری، ایجاد اشتغال و پیریزی زیربنای اقتصادی ایفا کند و تمام امکانات ما را از بخش خصوصی گرفته تا سرمایه گزاری عامه بسیج نماید. ما در برابر سیاست های جاری حکومت که نقش اداره کننده و سرمایه گزار دولت را حذف می‌کند، قرار گرفتیم و نقش این سیاست را در شکست برنامه انکشاف ملی که با مصرف میلیون ها دالر از جانب متخصصین نیولیبیرال خارجی تهیه شده است، واضح ساختیم. ما تأکید کردیم که بلی، بخش خصوصی باید، در چارچوب اقتصاد بازار، در تلاش خود برای اشتغال آفرینی، در پاسخ به نیاز های مردم در عرصه هایی که توان سرمایه گزاری را دارد، کمک شود و مورد حمایت قرار گیرد. اما در آن عرصه هایی که این بخش خصوصی، بنا بر محدودیت انباشت سرمایه، توان سرمایه گزاری های بزرگ، آموزش متخصصین و اداره پروژه های زیربنایی را ندارد، همچنان در عرصه های خدمات عامه و کمک به انسان، در عرصه های فرهنگی و تأمینات اجتماعی، در عرصه های ستراتیژیک برای اداره اقتصاد ملی، سرمایه گزاری دولتی امری ناگزیر است. این پروژه ها اکثراً بازدهی کافی ندارند و صرف از دیدگاه منافع عامه قابل تحقق می‌باشند. ما به افسانه بازار بحیث یگانه سیستم مؤثر اقتصادی باور نداریم و جانبدار رشد اشکال جانشین آن هستیم. ما به افسانه بازار بحیث شکل آخری و نهایی شده سازمان اقتصادی باور نداریم و خود را سهم گیرنده در تلاش بزرگ نبوغ بشری برای ایجاد اشکال عادلانه تر و مؤثر تر سازماندهی اقتصادی و اجتماعی میدانیم. ما با پذیرش نقش سیستمی بازار آزاد در میان مدت، تأکید کردیم که سیستم بازار، بدون محافظت های اجتماعی قوی، بدون قانون کار عادلانه، بدون سهمگیری دولت در عرضه ضروریات اولیه مردم، اکثریت مردم ما را از عرصه کار و عرصه مصرف کنار زده، گروه های بزرگی از مردم و بخصوص جوانان و زنان را به حاشیه زنده گی بارور اقتصادی، حرفه یی و اجتماعی میراند و بازار آزاد، بدون نظارت اجتماعی و در فقدان دولت سمت دهنده و نظم دهنده، فطرتاً نمیتواند نتیجه یی غیر ازین ببار آورد. ازینرو، کاندیدان ما خواستار ارتقای نقش اقتصادی دولت، کمک به بازار و نظم دهی بازار، تقویت سکتور غیر کالایی و بسیج تمام ثروت های مردم افغانستان برای پیشرفت و خوشبختی وطن ما شدند.

طرح های مندرج در پلتفورم انتخاباتی کاندید نهضت در باره زنان، نمایانگر صداقت و پیگیری ما در دفاع از حقوق سیاسی و مدنی زنان و تأمین مشارکت آنان در حیات اجتماعی و فرهنگی ملی ما بود. کاندیدان ما با قاطعیت در موضع دفاع از اقدامات تأخیر ناپذیر برای جوانان، بیجا شده گان، معلولین و معلولین جنگ و سایر لایه های فرودست جامعه قرار گرفتند.

ما در تماس های خود در همه جا با رأی دهنده گان بحیث انسانهای آزاد برخورد کردیم، نه عضو این یا آن قوم، این یا آن قبیله، این یا آن مذهب یا گروه هویتی. ما برای آنها گفتیم که چرا باید بحیث شهروند رأی بدهند، بحیث شهروند، بر مبنای منافع واقعی اجتماعی خود رأی بدهند. رفقای ما در ولایات، ده ها هزار ملاقات را، اکثراً در شرایط دشوار و با پذیرش خطر، با مردم سازمان دادند و توضیح کردند که چرا سیستم مصیبت بار و ظالمانه کنونی مقدر نیست و چگونه میتوان جامعه دیگری را ایجاد کرد. ما در جریان کارزار انتخاباتی، روابط خود را با ده ها سازمان مدافع منافع زحمتکشان، بخصوص اتحادیه های کارکنان و پیشه وران، اتحادیه های دهقانان و روستا ها، سازمان های زنان و جوانان، انجمن های روحانیون ترفیخواه، تحکیم بخشیدیم و شالوده همراهی و همبسته گی را پی ریختیم. کاندید نهضت، رفیق حبیب منگل و معاونینش در 26 گردهمایی انتخاباتی با شرکت بیش از 17 هزار

نفر در مرکز و ولایات کشور شرکت ورزیدند. سازمان های محلی و اعضای حزب ما، از طریق تماس مستقیم با هریک این 17 هزار، چنین کار با اهمیت و دشواری را ممکن ساختند.

حزب ما در برآمدی مستقلانه، حضور فعال سیاسی و آرمانی خود را در جامعه آغاز کرد. من افتخار دارم که به حزبی تعلق دارم که اکثریت قریب به اتفاق اعضا و سراسر رهبری آن، چه پیش از کارزار انتخاباتی و چه پس از رأی دهی، نفس این حرکت مستقلانه را مورد سؤال قرار ندادند. شما خواستید که حزب تان نه تکرر باشد نه انزواطلب، بلکه وجدان مشترکی باشد که از برکت آن همه کور گره ها در راه اتحاد بزرگ ترقیخواهان و دموکرات های وطن ما باز میشود. شما در عین حال خواستید که حزب تان در ائتلاف هایی که روح ترقیخواهانه و عدالت طلبانه آنرا به یغما میبرد، داخل نشود، مستقل بماند و جای شایسته خود را نه در بین معامله گران قدرت و جور آمده های ارتجاعی و مافیایی، بلکه در صف دادخواهان و دموکرات ها ایجاد کند و توسعه دهد. با حرکت ازین اراده شما بود که ده ها شخصیت سیاسی متعهد، چندین کاندید مستقل ریاست جمهوری، بیش از 12 سازمان دموکرات و تجدد خواه با کاندیدان ما ملاقات کردند. ما برای آنها کاندید واحد و برنامه واحد را پیشنهاد کردیم. عده یی از آنها در کنار ما قرار گرفتند. برخی از آنها در نفس کار مشترک و مبارزه مشترک با ما همسو هستند، اما در جریان این کارزار انتخاباتی، آجندای کاری خود را داشتند. ما به این آجندا احترام گذاشتیم و در کارزار انتخاباتی از یاری و همکاری با آنها دریغ نکردیم. انتخابات کمک کرد که ما به درک جدیدی از آرایش نیرو های سیاسی، بشمول نیرو های ترقیخواه و دموکرات برسیم. ده ها شخصیت سیاسی غیر نهضتی در داخل و خارج کشور به ستاد انتخاباتی رفیق حبیب منگل پیوستند و نقش شایسته خود را در همبسته گی با ما ایفا کردند. نتایج انتخابات، با وجود دستکاری های وسیعی که هم ما و هم سایر کاندیدان ترقیخواه و تجدد طلب قربانی درجه یک آن بودیم، و تکرر میکنم که به تنهایی هیچ چیزی را ثابت یا رد نمیکند، ما را در جمع سازمانهای سیاسی و احزاب ترقیخواه و دموکرات در مقام قابل ملاحظه یی قرار داده است. ما در جمع کاندیدان غیر میلیونر، غیر متقلب و فراقومی، جای شایسته یی داریم. نتیجه گیری نهایی درین مورد به زمان ضرورت دارد، اما به هر حال، اکنون لازم است که از طریق ادامه و توسعه گفت و گوی همزمانه با این شخصیت ها و احزاب، قوت جمعی خود را در ارائه جانشینی دموکراتیک و دادخواهانه برای سیاست های ارتجاع به نمایش بگذاریم.

در فرجام کارزار انتخاباتی، باید گفت که نهضت ما با دستاورد های مسلم در عرصه سازمانی و ایجاد حزبی ریشه دار تر و با نفوذ تر، ازین کارزار بدر آمده است. اکنون میتوان ادعا کرد که زحمتکشان شهر و ده اکثرا با نام حزب ما آشنا شده اند، میدانند که به چه معتقد هستیم، تاریخ ما به کجا بر میگردد و علاقه دارند بدانند که ما چه برنامه یی برای بهبود زنده گی آنها داریم. ما در جریان انتخابات، چهار کمیته حزبی ولایتی جدید، هشت کمیته حزبی شهری و بیش از هفتاد واحد اولیه حزبی ایجاد کردیم. در مجموع، در کابل و ولایات، 897 عضو جدید به حزب ما پیوستند و برای نخستین بار پس از ایجاد آن، سازمان ما قادر شده است که در صدد یافتن بهترین و مناسب ترین راه های سازماندهی جوانان و زنان برآید و دورنمای نو سازی و جوان سازی صفوف خود را بحیث دورنمایی ممکن و مطلوب، مورد توجه قرار دهد.

اینک چرا، رفقای عزیز، من معتقدم که در رابطه مستقیم با اهداف تعیین شده، نتایج ما کلا موفقیت آمیز است. اما هیچیک ازین دستاورد های ما اهمیتی نخواهند داشت، الا اینکه ما آنها را پرورش بدهیم و از آنها پُلی برای گذشتن به آینده بسازیم.

اجازه بدهید که حالا مشترکا اوضاع شکل گرفته بعد از انتخابات و وظایف سیاسی ما را در لحظه حاضر مطرح سازیم.

افغانستان در شرایط حاضر صحنه یی دیگر از سناریوی عمومی بُن را از سر میگذراند. این کنفرانس از جانب کشور های فاتح، در غیاب مردم افغانستان و بمنظور رویکار آوردن ائتلافی از نیرو های جهادبست، محافظه کار و وابسته دایر گردید. مضمون واحدی که از تمام مراحل تطبیق تصامیم این کنفرانس گذر کرده است، عبارتست از طرد و نفی میراث بزرگ ترقیخواهی و دادطلبی مردم افغانستان و به انزوا کشاندن نیرو های تجدد خواه و دموکرات وطن ما از یک طرف، و ایجاد ائتلافی متشکل از هر آنچه سرزمین ما از عقبگرایی میشناسد و به حاکمیت رسانیدن و بر سر قدرت نگهداشتن قشری بی پایه، فاسد و فرمانبردار از جانب دیگر.

این کشور ها با وسیله قرار دادن مؤسسات بین المللی، در کشور ما میدانی باز و ملکی بی بازخواستگر را دیدند و از هیچگونه اقدام غیر معمول و غیر اخلاقی دریغ نکردند. آنها در موضع فاتح این حق را برای خود محفوظ نگه داشتند که در چارچوب دولت انتقالی تصمیم بگیرند که کی بانفوذ است، کی متخصص است، کی افراطی است، کی میانه رو است، کدام سیستم سیاسی برای افغانها مناسب است و موقف افغانستان در سیاست های منطقه یی و جهانی در کجاست ؟ آنها انتخاباتی علنا جعلی را براه انداختند و کوشش کردند افکار عامه خودی و جامعه افغانی را با این اندیشه مجاب سازند که گذر نامیمون طالبان، ضعف جامعه مدنی افغانی، ضعف دولت، درک ضعیف افغانها از منافع و وحدت ملی شان، راهی جز این فرا راه شان نمیگذارد. گفتند جعل و فرمایش مرحله یی ضروری اما گذراست. آنهایی را که با این شگرد های غیر طبیعی به قدرت می آوریم، پنج سال بعد، با اتکا بر توانایی خود و بدون کمک ما سیستمی را که ظرفیت تجدید و ابقای خود را داشته باشد، بمیان خواهند آورد. برداشت این کشور ها و متحدین محلی شان از پروسه «دولت سازی» در همین حد بود و هنوز هست. آنها هیچگونه محتوای اقتصادی و اجتماعی برای این پروسه قایل نیستند. این در حالیست که سیاست های نیولیبرال تحمیلی مؤسسات بین المللی و آنچه به این سیاست رنگ افغانی داده است و از آن موجودی ناقص الخلقه درست کرده است، یعنی زر اندوزی و چپاول حاکمیت تازه بدوران رسیده و تسلط اقتصاد غیر قانونی، دولت افغانستان را ضعیف تر از هر وقت دیگر ساخته است. صد ها پروژه ناتمام، صد ها پروژه دولتی به حراج رفته، فقدان هرگونه استراتژی انکشاف ملی، فساد اداری و توافق های پشت پرده با مقاطعه کاران و انحصار بهره برداری از کمک های خارجی بوسیله 10 خانواده بر سر اقتدار، از دولت چیزی جز یک سایه باقی نگذاشته است. مردم به دولت اعتنا ندارند زیرا دولت ایجاد استخدام را وظیفه خود نمیداند. مردم از دولت رومیگرداند زیرا دولت نه ایجاد بیمه های صحتی و اجتماعی را در دستور کار خود دارد، نه از تأسیس شیرخوارگاه و کودکستان حرفی به میان می آورد، نه در راه آموزش و پرورش باکیفیت گامی برمیدارد، نه به قانون کار و سطح زنده گی مردم علاقه یی دارد. مردم با دولت بیگانه اند زیرا دولت نه خریدار محصولات آنهاست، نه کمک کننده در تولید، ذخیره و فروش محصولات شان، نه برای آنان آب فراهم میکند، نه انرژی و نه راه های مواصلاتی. مردم به دولت اعتماد ندارند زیرا دولت از حق زنده گی، حق امنیت و آزادی آنان دفاع نمیکند و به آنان وعده های دروغین میدهد.

در نتیجه این سیاست ها، وفاق اجتماعی و وحدت ملی ما آزمون های دشواری را از سر میگذرانند. بیکاری در مرز های مزمز 45 فیصد قرار دارد. در سطح قریه، بازگشت به مناسبات اجتماعی بسیار کهنه از طریق غصب و تصاحب زمین های شخصی و دولتی بوسیله زورمندان وابسته به محافل حاکم، گروههای روزافزون دهقانان رابدنبال کار راهی شهر ها میسازد. میلیون ها خانواده دهقان، زمین های بی آب، بی کود یا بی تخم بزی خود را ترک گفته در سرک های شهر های بزرگ سرگردانند یا در حومه شهر ها، در کنار بیجا شده گان مهاجر از خارج، در شرایط مغایر حیثیت انسان به سر میبرند. بر اساس آمار معتبر، بیشترین استخدام در بین جوانان را بخش فروش و انتقال مواد مخدر انجام میدهد. اخراج زنان از بازار کار به مرز های بازگشت ناپذیری رسیده است. تنقیص های پیهم در تشکیلات دولتی، «بازسازی» های توجیه ناپذیر دستگاه امنیتی و نظامی، لیلام مؤسسات تولیدی عامه، امکانات تأثیر گذاری دولت را بر حیات اقتصادی و اجتماعی و ظرفیت های کار آفرینی دولت را به هیچ رسانیده است، بی آنکه بازار بتواند با سرمایه گزاری در عرصه های اشتغال آفرین، نیروی حاضر یه کار را آموزش دهد و جذب کند. متشبثین خصوصی عمیقا به آینده این سیستم بی اعتماد اند و فعالیت خود را به سرمایه گزاری های دارای باز دهی در کوتاه مدت محدود ساخته اند.

انتخابات اخیر ریاست جمهوری زنگ خطری برای همه محافل سیاسی افغانستان و جامعه جهانی بود. این انتخابات که قرار بود پرده آخر سناریوی بُن را به صحنه بیاورد، که قرار بود ظرفیت جامعه بین المللی را در پایه گذاری یک سیستم دموکراتیک بوسیله نیرو های عمیقا بیگانه با دموکراسی به نمایش بگذارد، سیستم را در بحرانی عمیق فرو برد. از نزدیک به 17 میلیون رأی دهنده بالقوه، کمتر از 20 درصد در دور اول شرکت کردند. بی امنیتی و تهدید نیرو های افراطی، یکی از دلایل انصراف مردم از رأی دهی و نه مهم ترین این دلایل بود. مردم در انتخابات شرکت نکردند زیرا هیچ اعتمادی به تغییر در زنده گی خود از برکت رئیس جمهور آینده خویش نداشتند. مردم به پای صندوق های رأی نرفتند زیرا نتیجه انتخابات را از پیش تعیین شده فکر میکردند و آنطوری که واقعا نیز رخ داد، محافل حاکم را منقلب و این دموکراسی را ایزاری و ریاکارانه میدانستند. در یک کلام، مردم به پای صندوق های رأی نرفتند زیرا از این دموکراسی هیچ انتظاری نداشتند. حواله کردن ساده خلوت غم انگیز مراکز رأی دهی در روز انتخابات به فقدان امنیت، برخوردی شیدانه، فخر فروشانه و ناروا بیش نیست. فشار حامیان خارجی بر گروه بر سر

اقتدار و مظالم لاینقطع در حق دموکراسی منجر به آن شد که یک صبح خزانی 12 عقرب، کمیسیون انتخاباتی منتصب رئیس جمهور، به ادامه این ریاست تصمیم صادر کند، شخصی را وجهه دهد و سیستمی را بی اعتبار سازد. بدین ترتیب، مرحله بی آغاز میشود که در طی آن، جست و جوی مشروعیت از جانب حلقه حاکم [مشروعیتی که نتوانست از رأی مردم ناشی شود] و دعواها، امتیاز طلبی ها و تقسیمات بی سر انجام قدرت، ارکان اساسی دولت را فلج خواهد کرد و حل مسائل اساسی کشور ما را سالها به عقب خواهد برد. دولت درگیر در مبارزات درونی خود، در هرگامی که برای حل معضلات خود بر خواهد داشت، بیشتر از پیش از قانون اساسی و معیار های دموکراسی فاصله خواهد گرفت. این دولت در چارچوب این قانون اساسی بیشتر ازین نمیتواند خود را تداوم ببخشد.

حزب ما با احساس مسؤولیت در برابر وطن و آینده اولاد وطن خود، نه ازینکه مردم افغانستان از دموکراسی رو میگردانند شادمان است و نه میخواهد در برابر بُن بستی که محافل حاکمه میخواهند جامعه ما را بدانسو ببرند بی تفاوت و تماشاگر باشد. آنچه در طی چهار ماه گذشته رُخ داد، به دموکراسی نو پای کشور ما عمیقاً آسیب رساند. اما آنچه را همین چهار ماه به اثبات رسانید، این نیز بود که نیرو های دموکرات و ترقیخواه کشور ما، بخاطر **ضعف** های خود، بخاطر **سوء تفاهمات** خود و بخاطر **پراگنده گی** خود، میدانی باز را در اختیار مخالفین دموکراسی گذاشته اند.

ضعف ما ناشی از آن بود که ما، یعنی هم حزب ما و هم سایر احزاب و محافل دموکرات و داد خواه، عمده انرژی خود را در بسیج مردم بر مبنای شهروندی، در توسعه صفوف جامعه مدنی، در همراهی با جنبش های اعتراضی مردم و در حمایت از مطالبات برحق اجتماعی آنان بکار نبرده ایم. ما معتقد هستیم که نهادینه ساختن دموکراسی ضرورتاً ازینجا میگذرد. ما معتقد هستیم که محتوای اجتماعی دموکراسی در جریان مبارزات اجتماعی و از برکت فداکاری مردم و ترقیخواهان تحکیم می یابد. ما معتقد هستیم که نمیتوان، بهیچوجه نمیتوان در میدان مبارزات اجتماعی حضور کم رنگ داشت و در انتخابات پیروز شد. تقدیر ترقیخواهان و داد طلبان اینچنین رقم خورده است.

سوء تفاهمات ما قسماً طبیعی و ناشی از تنوع احزاب، سازمانها، نهاد ها و شخصیت های ترقیخواه و دموکرات است. ما ریشه ها و تاریخ متفاوت، تجارب و تعهدات اجتماعی متفاوت و ارزیابی های متفاوت از اوضاع جاری وطن مان داریم. آنچه دشواری می آفریند، وسوسه های تمامیت خواهی و مطالبه توافقی یا در همه چیز یا در هیچ چیز است. ما باید فرا بگیریم که چگونه ازین تفاوت ها نیرویی برای توسعه جنبش دادخواهانه و مؤثریت کار سیاسی مشترک خود بسازیم. ما باید فرابگیریم که بگوئیم و بشنویم که در چه چیزی با هم مخالف یا متفاوت هستیم و چگونه ازین تفاوت ها نه دیواری برای ایجاد فاصله، بلکه گذرگاهی برای همکاری و همبسته گی میسازیم.

پراگنده گی نیرو های دموکرات و ترقیخواه واقعیت تلخ این دور انتخابات بود. من مطمئن هستم که همانند ما، همه شخصیت ها و نیرو هایی که خود را در حرکتی مدنی، در جنبشی فراقومی، فراعقیدتی، ترقیخواهانه، دموکراتیک و دادطلبانه سهیم میدانند، عمق این تراژیدی را درک کرده اند. اگر نیرو ها و محافل ترقیخواه میخواهند بدیلی دموکراتیک و تجدد خواهانه ایجاد کنند، راهی جز نزدیکی و اتحاد ندارند. ما باید بازو به بازو کار کنیم و دموکراسی بی را که سر دارد اما بدن ندارد، در کارخانه، در قریه، در مراکز آموزشی و فرهنگی، در اتحادیه ها و انجمن ها، پایه مردمی ببخشیم و گام های عملی را در راه اعاده حاکمیت ملی خویش برداریم. ما باید قادر شویم که دستاورد های اجتماعی را، کار و قانون عادلانه کار را، اجرای این قانون را، اداره سالم را، بر تصمیم گیران تحمیل کنیم. ما باید مشترکاً کار کنیم و در انجایی که جای طبیعی ماست، یعنی در بین مردم کار کنیم تا در سال 1393 انتخابات برگزار شود، حتماً برگزار شود و مردم وسیعاً در آن شرکت کنند. ما باید در کنار هم کار کنیم تا مردم بهتر رأی بدهند، بحیث شهروند رأی بدهند، برای ترقی، دموکراسی و عدالت رأی بدهند.

میخواهم، اکنون که انتخابات ریاست جمهوری بی آنکه آینده بهتری را برای مردم ما تضمین کند، به پایان رسیده است، سازمانهای برآمده از دامان چپ دیروزی را فرابخوانم که بیاندیشند که آیا در جریان این کارزار در جایی قرار داشتند که باید قرار میگرفتند؟ در جایی که با تعهدات سیاسی و با خصلت و ترکیب آنها سازگار باشد؟ میخواهم ده ها سازمان، محفل و شخصیت سیاسی، زنان و مردانی را که در جریان این کارزار برای نخستین بار اندیشه های ترقیخواهانه و دادطلبانه را حمل کردند و به کاروان تاریخی تجدد خواهی کشور ما پیوستند، فرابخوانم که در مورد انگیزه های حرکت تکررانه خود بیاندیشند و درین مورد نیز که به تنهایی، ده بیست سال بعد به کجا خواهند رسید و در خدمت کدام آرمان قرار خواهند داشت؟ امیدوارم هیچکدام این محافل، نه همزمان دیروز و نه همزمان امروز ما، در صمیمیت ما هنگام مطرح ساختن این پرسش ها شکی به خود راه ندهند. ما بار ها گفته ایم که قافله تجدد خواهی و دادطلبی وطن ما نه صدر نشین دارد و نه لُخک نشین. همه صاحب خانه ایم و هرکدام حق داریم در مورد

مصالح خانه مشترک مان اندیشه کنیم.

تا جاییکه مربوط به حزب ما میشود، پیشنهاد میکنم که سر از هفته آینده، با اتکا بر فورمول های دقیق و قابل قبول برای همه، در خانه هر یک ازین دوستان را بکوبیم و با آنها در مورد راه های عملی و مؤثر اتحاد عمل به تبادل نظر بپردازیم. پیشنهاد میکنم که در بهار سال آینده، همه این احزاب، محافل و سازمانها در کنفرانسی گرد هم آیند و مواضع خود را در مورد اتحاد وسیع ترقیخواهان و دموکرات های وطن ما بیان کنند. پیشنهاد میکنم که در فرجام یک گفت و گوی برادرانه، در مورد ایجاد جنبش سرتاسری دفاع از دموکراسی به توافق برسیم.

طوریکه جلسه هیأت اجراییه ما تأکید کرده است، اکنون باید همه نیرو و امکانات ما در راه انتخاب هرچه بیشتر نماینده در پارلمان آینده بکار افتد. ما از تمام نهضتی ها میخواهیم که همان روح فداکاری و ایثار، همان روشن بینی و خلاقیت چند ماه گذشته را دوباره بکار گیرند و ظرفیت های تأثیر گذاری حزب خود را بر حیات سیاسی افزایش دهند. مامیخواهیم درین مصاف، در همیسته گی و اتحاد با سایر نیرو ها و شخصیت های ترقیخواه وارد شویم و یکبار دیگر، هر رأیی را که در صندوق کاندیدان دموکرات و دادخواه غیر نهضتی انداخته خواهد شد، رأیی برای امر مشترک ما خواهیم دانست. جست و جوی تفاهم با این احزاب و شخصیت ها، وظیفه تأخیر ناپذیر ماه های آینده ما خواهد بود.

نمیوانم گفتارم را بدون مطرح ساختن وظیفه بی که به انجام رسانیدن آن در دستور کار ما قرار دارد، یعنی وحدت ما با حزب متحد ملی ختم کنم. ما زمانی طولانی را در تلاش برای تحقق این وحدت سپری کردیم و امروز نیز معتقدیم که وحدت دو سازمان برادر امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. ما باید بدون ضیاع وقت، جریان توافق شده مذاکرات را با این حزب ادامه دهیم و آنرا در چارچوب اصول توافق شده به انجام رسانیم. ما تلاش خواهیم کرد که امر وحدت در فرجام یک پروسه شفاف و بر مبنای توافق واقعی در مورد تعهدات سیاسی دو جانب تحقق یابد.

خواهشمندم که مجلس مؤسسان حزب ما، پس از ابراز نظر، این گزارش را بحیث گزارش مجلس مؤسسان مورد تأیید قرار دهد.